

بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز

نویسنده: دکتر مهناز علی اکبری دهکردی

استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

با توجه به نقش مهم معیارهای همسرگزینی در ازدواج و تشکیل خانواده، پژوهش حاضر برآن بوده است که به دو سؤال زیر پاسخ دهد:

۱- دختران جوان شهر اهواز جهت امر ازدواج به چه معیارهایی بیشتر اهمیت می‌دهند؟
۲- آیا ملاک‌ها و معیارهای همسرگزینی دختران جوان شهر اهواز با توجه به سن، زبان مادری، ترتیب تولد، اندازه خانواده، سواد والدین و ناحیه تحصیلی آنها تفاوت دارد؟
جامعه مورد پژوهش را دانش‌آموزان مدارس پیش دانشگاهی شهر اهواز تشکیل می‌دادند که به‌طور تصادفی طبقه‌ای ۵۰۰ نفر از بین آنان انتخاب شدند. ابزار تحقیق عبارت بود از مقیاس ملاک‌های همسرگزینی دختران شهر اهواز (MSS-AGA) (Mate- Selection Criteria of Ahwaz Girl Scale) که در این پژوهش از طریق تحلیل عوامل ساخته شد و از اعتبار و پایایی بالایی برخوردار بود. هم‌چنین یک پرسشنامه جمعیت شناختی، مورد استفاده قرار گرفت که هر دو توسط نمونه مورد پژوهش تکمیل شد. یافته‌های این تحقیق در رابطه با سؤال اول نشان داد که، دختران جوان با معیارهای صحیح همسرگزینی و میزان اهمیت به آنها آشنایی دارند. به طوری که نمونه مورد پژوهش به طور معناداری به معیارهای زیر خیلی اهمیت می‌داد. این معیارها عبارتند از: معیار توافق، معیار خانواده، معیار پزشکی، استقلال خانواده جدید، خصوصیات اخلاقی و مذهبی. نتایج مرتبط با سؤال دوم نشان داده که بین معیارهای همسرگزینی دختران جوان با توجه به سن، زبان مادری، ترتیب تولد، اندازه خانواده و سواد والدین آنان تفاوت معناداری وجود ندارد تنها بین معیارهای همسرگزینی دختران نواحی تحصیلی چهارگانه، تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به یافته‌های به‌دست آمده در رابطه با شناخت صحیح معیارهای همسرگزینی توسط دختران جوان، و وقوع برخی از ازدواجهای قومی و غلط در خانواده‌ها، به نظر می‌رسد که وظیفه همه رسانه‌های گروهی، نهادهای فرهنگی و تربیتی، مسئولین و دست‌اندرکاران دولتی است که علاوه بر آموزش و مشاوره قبل از ازدواج جوانان، به آموزش خانواده‌ها و والدین آنان در این زمینه نیز مبادرت ورزند.

واژه‌های کلیدی: معیارهای همسرگزینی، دختران جوان، دانش آموزان

دوماهنامه علمی- پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال چهاردهم- دوره جدید
شماره ۲۵
آبان ۱۳۸۶

مقدمه

نیاز به برقراری رابطه‌ای پایدار، صمیمی و توأم با عشق و محبت از مهم‌ترین دلایلی است که سرانجام هر زن و مرد را به سمت انتخاب شریک و ازدواج سوق می‌دهد [۱] و بر همین اساس است که بیش‌تر از ۹۰٪ جمعیت دنیا حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌اند [۲]. آنها همسر خود را

چگونه انتخاب کرده‌اند؟ نه تنها این سؤال، سؤالی است که اکثریت افراد در سنین جوانی از خود می‌پرسند، بلکه یک سؤال علمی نیز می‌باشد و به همین لحاظ بسیاری از رشته‌های علمی از جمله جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی تکاملی، ژنتیک و بالاخره روان‌شناسی در این مورد پژوهش‌های زیادی داشته‌اند و نظریه‌های متعددی ارائه

نموده‌اند و از آنجائی که چگونگی انتخاب کردن امری است فردی و روان‌شناختی [۳]، این موضوع در میان روان‌شناسان بیش‌تر مورد بحث قرار گرفته است. روان‌شناسان در رابطه با ملاک‌های انتخاب همسر (mate-selection) پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند که می‌توان آن‌ها را در چند گروه دسته‌بندی کرد:

ایده تصادفی بودن

براساس این نظر هیچ قانونی در این مورد وجود ندارد. انتخاب شریک زندگی همانند سایر تصمیمات خطیر زندگی فقط براساس تصادف صورت می‌گیرد اما از میان یک مجموعه محدود از افراد که عموماً شبیه به خود فرد هستند [۴].

ایده هم‌تاهم‌سری (Assortative Mating)

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که بیش از آنچه به صورت تصادفی انتظار می‌رود، زوج‌ها از لحاظ جسمی و روانی به یکدیگر شبیه هستند [۵] همچنین شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهند افراد تمایل دارند که زوج‌های مشابهی را انتخاب کنند. این مطلب در مورد سن، ویژگی‌های فیزیکی، جذابیت، هوش، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اقتصادی، مذهب، شخصیت، نگرش‌های اجتماعی و جنبه‌های آسیب‌شناختی وجود دارد [۲ و ۶]. گیکسوهن و گلان (Gilcksohn & Golan) در ۲۰۰۱ در سه بعد هیجان‌طلبی (sensation seeking) یعنی تجربه‌جویی، عدم بازداری و ملالت‌پذیری) به شباهت قابل ملاحظه‌ای میان همسران دست یافتند [۷]. به نظر بارون و برن (Baron & Byron) [۸] همسانی میان دو نفر نه تنها آن‌ها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت میان آن‌ها را استوار می‌سازد.

ایده تکمیل‌کنندگی (complementarily)

فرضیه مکمل بودن اولین بار توسط وینچ (Winch) در سال ۱۹۵۸ مطرح شد. وی اظهار داشت که افراد مایلند همسری را برگزینند که نیازهای آن‌ها را برآورده سازد و تمایلاتشان را تکمیل نماید. به بیان دیگر به عقیده مدافعان این نظریه، این نه شباهت و همسانی، بلکه بی‌شباهتی و ناهمسانی و به ویژه صفات

تکمیل‌کننده است که افراد را به وصلت با دیگری وامی‌دارد [۹ و ۱۰]. شاید افراد برون‌گرا و درون‌گرا، سلطه‌پذیر و سلطه‌گرا، وابسته و مراقبت‌کننده به این دلیل جذب یکدیگر می‌شوند که نیازهای مکمل خود را ارضا کنند [۱۱].

براساس دیدگاه زیست‌جامعه‌شناسی (social biological) که مبانی زیست‌شناختی رفتار را بررسی می‌کند، ویژگی‌های فیزیولوژیکی قضاوت زنان و مردان باعث شده است که ملاک‌های عام متفاوتی را در انتخاب همسر در نظر بگیرند [۳].

تحقیقات بسیاری براساس این پیش‌بینی‌ها انجام شده است. به عنوان مثال، در رابطه با تفاوت بین زنها و مردها در انتخاب همسر مالدر (Mulder) [۱۲] نشان داده است که بین ملاک‌های همسرگزینی دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد در حالی‌که گریتمر (Greitemeyer) [۱۳] با استفاده از فرا تحلیلی که بر روی چند پژوهش انجام شده در رابطه با ملاک‌های همسرگزینی در زن و مرد انجام داد به این نتیجه رسید که مردها در انتخاب خود زنانی را ترجیح می‌دهند که از لحاظ پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر از آن‌ها باشند، یا اصلاً به این ملاک اهمیت نمی‌دهند. در مقابل زنها مردانی را ترجیح می‌دهند که نه تنها از لحاظ پایگاه اقتصادی و اجتماعی بلکه از نظر درآمد و تحصیلات هم از آن‌ها بالاتر باشد. قبل از این، فینگلد (Feingold) [۱۴] نیز با فراتحلیل تحقیقات انجام شده در مورد همسرگزینی به این نتیجه رسید که زنان در مقایسه با مردان اهمیت بیش‌تری برای وضعیت اقتصادی و اجتماعی، جاه‌طلبی، منش و هوش قائل هستند.

هم‌چنین چندین مطالعه برای مثال کنریک و همکاران [۱۵] و براونا و برن [۸] و حوقدوست و همکاران [۱۶] نشان داده‌اند که زنان تا حدی مردان مسن‌تر از خود را ترجیح می‌دهند یعنی مردانی که به لحاظ مالی در وضعیتی هستند که قادرند امکانات مادی را فراهم سازند و سال‌هایتمادی نیز این‌گونه خواهند بود. درمقابل، پژوهشی دیگر از بانک، دیجکستر و وارنتیجز در سال ۲۰۰۱ نشان داد که زنان صرف نظر از سن و سطح ارتباط، مردان همسن خود را ترجیح می‌دهند [۱۰].

بالایی که برای پاکدامنی، سلامت، اصالت خانوادگی، مذهب، ظرافت، آراستگی، جاه طلبی و زمینه سیاسی مشابه قابل شد با نمونه‌های دیگر تفاوت چشم‌گیری نشان داد. نمونه ایرانی همچنین به طور معناداری تأکید کم‌تری بر قابلیت اعتماد، شخصیت، هوش، کشش و عشق دو طرفه داشت.

مبتنی بر تمهیدات یاد شده، پژوهش حاضر در جستجوی پاسخ به دو سؤال اساسی بوده است:

۱- ملاک‌های اساسی که دختران جوان در زمان ازدواج و انتخاب همسر به آن‌ها اهمیت می‌دهند، کدام است؟

۲- آیا ملاک‌های همسرگزینی (mate-selection criteria) دختران جوان اهوازی با توجه به سن، زبان مادری، ترتیب تولد، اندازه خانواده، سواد والدین و ناحیه تحصیلی آنان متفاوت است؟

روش

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر در برگیرنده کلیه دانش آموزان دختر مدارس پیش دانشگاهی نواحی چهارگانه شهر اهواز بوده است.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، ۵۰۰ دانش آموز دختر سال چهارم مدارس متوسطه شهر اهواز، به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند به این ترتیب که از هر ناحیه متناسب با لیست آموزش و پرورش دو مدرسه و هر مدرسه ۶۵ دانش آموز به تصادف انتخاب شدند. میانگین سنی آنان ۱۷/۵ سال بود و اکثریت نمونه مورد پژوهش فرزندان اول الی چهارم خانواده بودند و اندازه خانواده آنان ۴ الی ۹ نفر بوده است.

ابزار پژوهش

ابزار اصلی این پژوهش شامل پرسشنامه‌ای بود که از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول پرسش‌های دموگرافیک و قسمت دوم مقیاس ملاک‌های همسرگزینی دختران شهر اهواز بود.

بخش دموگرافیک، شامل سؤالاتی در رابطه با ناحیه تحصیلی، سن، اندازه خانواده، ترتیب تولد، زبان مادری و سواد والدین بود.

در رابطه با اهمیت به ویژگی‌های جسمانی، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که جذابیت جسمانی در انتخاب همسر نقش به‌سزایی دارد [۱۷ و ۱۸]. همچنین، برخی دیگر از پژوهش‌ها از جمله رادونو و همکاران جذابیت بدنی را از جذابیت چهره‌ای در انتخاب همسر با اهمیت‌تر نشان داده‌اند. در حالی که، در پژوهش میلر و تد (Miller and Todd) [۱۹] نشان داده شده است که گرایش‌های روان‌شناختی در انتخاب همسر از گرایش‌های جسمانی اهمیت بیش‌تری دارد.

در مورد دیگر معیارهای همسرگزینی حق‌دوست و همکاران [۱۶] در پژوهشی بر روی دانشجویان نشان دادند که تفاهم اخلاقی به عنوان مهم‌ترین معیار انتخاب همسر در دختران است و مهربانی‌زاده هنرمند و داوودی [۱۰] نشان دادند که ملاک‌های همسرگزینی در سه گروه ویژگی‌های فردی، شباهت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی قابل دسته‌بندی است و میانگین نمره دختران در هر سه عامل بیش از پسران است. سیاهپوش [۲۰] در پژوهشی بر روی دانش آموزان دختر به این نتیجه رسید که ملاک‌هایی هم چون هم فکری، هم سطح بودن از لحاظ اخلاقی و شخصیتی و عشق و علاقه دو طرفه به میزان خیلی زیاد برای دختران در انتخاب همسر اهمیت دارد.

تحقیق باس [۳] که برای بررسی اثرات فرهنگ و جنسیت بر ملاک‌های همسرگزینی در ۳۷ فرهنگ مختلف اجرا شد، نشان داد که با وجود پراکندگی منحصر به فرد فرهنگی (Unique cultural variability) مربوط به هر نمونه، اشتراکات عمده‌ای میان نمونه‌ها وجود داشت. اما در عین حال هر فرهنگ در ملاک‌های همسرگزینی ترتیب خاص خود را داشت. تقریباً تمامی نمونه‌ها کشش و عشق دو طرف را در رأس ویژگی‌های دیگر قرار دادند و ارزش فوق‌العاده‌ای برای ویژگی‌های قابلیت اتکاء (dependability)، ثبات هیجانی (emotional stability)، درک کنندگی (kindness-understanding) و هوش قایل بودند. کم‌ترین ارزش به پاکدامنی و زمینه مذهبی و سیاسی مشابه داده شد. هر چند زنان به شباهت مذهبی و مردان به پاکدامنی بیش‌تر اهمیت داده بودند.

نمونه ایرانی در تحقیق باس [۳]، در قیاس با سایر نمونه‌های خاورمیانه کم‌ترین اشتراک را با میانگین‌های بین‌المللی داشت. این نمونه، با ارزش

مقیاس ملاک‌های همسرگزینی با استفاده از تحلیل عاملی توسط محقق ساخته شد. جهت انجام تحلیل عاملی محاسبه دو آزمون بارتلت (Bartlett test) و کفایت نمونه‌برداری (Kaiser-Meyer-Olkin measure of sampling adequacy) لازم است. در این پژوهش نتیجه آزمون بارتلت $8569/75$ بود که در سطح $p < 0/01$ معنادار است و مقدار آزمون کفایت نمونه‌برداری $0/84$ بود که بیان‌گر مطلوب بودن حجم نمونه جهت محاسبه تحلیل عاملی است. با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، چرخش متعامد و حداقل ضریب عاملی $0/40$ تحلیل عاملی انجام شد. این تحلیل پس از سه چرخش آزمایشی به بهترین ترکیب ماده‌ای خود دست یافت، که عبارت بود از ۴ عامل و ۲۴ ماده. این عوامل بدین ترتیب نام‌گذاری شدند:

عامل اول: معیار خصوصیات شخصی همسر
عامل دوم: معیار اشتراکات و توافق با همسر
عامل سوم: معیار خانواده خود و همسر
عامل چهارم: معیار پزشکی

پایایی این مقیاس از طریق محاسبه ضرایب آلفای کرانباخ برای عامل اول $0/83$ ، عامل دوم $0/77$ ، عامل سوم $0/79$ ، عامل چهارم $0/70$ و کل مقیاس $0/80$ به دست آمد.

نتایج

پس از اجرای پژوهش بر روی دختران جوان شهر اهواز معیارهای همسرگزینی آنان شناسایی شد. جدول ۱ درصدهای مربوط به ماده‌های مختلف معیارهای همسرگزینی را در نزد دختران جوان پیش‌دانشگاهی شهر اهواز نشان می‌دهد. بدین ترتیب که:

جدول ۱: فراوانی درصدی پاسخ‌ها به ماده‌های مقیاس ملاک‌های همسرگزینی

عامل	ماده‌ها	گزینه‌ها				
		هیچ	کمی	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد
عامل اول معیار خصوصیات شخصی همسر	فاصله سنی	۲٪	۲۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۱۸٪
	برخوردهای اجتماعی	۰	۰	۵٪	۲۵٪	۷۰٪
شخصی همسر آینده	سطح تحصیلات	۱٪	۲٪	۱۲٪	۳۵٪	۵۰٪
	باهوش بودن	۲٪	۱٪	۱۲٪	۳۰٪	۵۵٪
وضع مالی و ظاهری همسر	زیبایی	۶٪	۱۵٪	۹٪	۱۵٪	۵٪
	وضع اقتصادی	۱۲٪	۲۵٪	۵٪	۵٪	۳٪
خصوصیات اخلاقی مذهبی همسر	ایمان مذهبی	۲٪	۳٪	۵٪	۲۵٪	۶۵٪
	خوش اخلاقی	۱٪	۲٪	۳٪	۱۵٪	۷۹٪
عامل دوم معیار توافق	عفت و پاکدامنی	۱٪	۰	۴٪	۱۵٪	۸۰٪
	تناسب شکل	۱۰٪	۱۰٪	۴۵٪	۲۰٪	۱۵٪
معیار توافق علائق	توافق اخلاقی	۰	۱٪	۵٪	۱۹٪	۷۵٪
	توافق علائق	۰	۳٪	۱۰٪	۲۵٪	۶۲٪
عامل سوم معیار خانواده	شباهت طرز فکر	۲٪	۳٪	۱۰٪	۳۵٪	۵۰٪
	شباهت عقاید مذهبی	۲٪	۳٪	۱۰٪	۳۰٪	۵۵٪
معیار خانواده	شباهت وضع اقتصادی	۵٪	۱۰٪	۴۵٪	۲۰٪	۲۰٪
	قومیت و نژاد همسر	۳۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۵٪	۵٪
معیار خانواده	اعتبار اجتماعی خانواده	۲٪	۳٪	۱۰٪	۲۰٪	۶۵٪
	شباهت سواد و فرهنگ خانواده	۰	۱۰٪	۱۵٪	۲۰٪	۵۵٪
معیار خانواده	نظر خانواده خود	۲٪	۸٪	۲۰٪	۳۵٪	۳۵٪
	نظر خانواده همسر	۷٪	۸٪	۲۵٪	۳۰٪	۳۰٪
عامل چهارم معیار پزشکی	استقلال خانواده جدید	۲٪	۵٪	۱۳٪	۳۰٪	۵۰٪
	مشاوره ژنتیک	۲٪	۵٪	۱٪	۱۲٪	۷۰٪
معیار پزشکی	عدم بیماری‌های ارثی	۳٪	۵٪	۹٪	۱۸٪	۶۵٪

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین معیارهای همسرگزینی و برخی از خصوصیات فردی (دموگرافیک)

عوامل	خصوصیات فردی	سن	اندازه خانواده	ترتیب تولد	سواد مادر	سواد پدر
عامل اول خصوصیات شخصی همسر آینده	۰/۱۶ *	(p = ۰/۰۱)	۰/۱۲	(p = ۰/۰۹)	۰/۸	۰/۰۷
عامل دوم معیار توافق	۰/۱۱	(p = ۰/۰۹)	۰/۰۹	(p = ۰/۱۲)	۰/۱۶ *	۰/۱۵ *
عامل سوم معیار خانواده	۰/۱۹ *	(p = ۰/۰۲)	۰/۰۷	(p = ۰/۷)	۰/۱۱	۰/۱۰
عامل چهارم معیار مسائل پزشکی	۰/۱۳	(p = ۰/۰۶)	۰/۰۹	(p = ۰/۱۱)	۰/۱۵	۰/۱
کل مقیاس	۰/۱۵ *	(p = ۰/۰۴)	۰/۰۸	(p = ۰/۱۲)	۰/۰۸	۰/۳
			(p = ۰/۱۹)	(p = ۰/۶)	(p = ۰/۲۰)	(p = ۰/۶۷)

* ضریب همبستگی در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار است

عامل اول- خصوصیات شخصی همسر آینده:

الف- خصوصیات فرهنگی و اجتماعی: اکثریت دختران جوان به طور معناداری به برخوردهای اجتماعی، سطح تحصیلات و باهوش بودن همسر آینده خود «خیلی زیاد» و یا «زیاد» اهمیت می‌دهند ولی به فاصله سنی «تا حدودی» اهمیت می‌دهند.

ب- وضع مالی و ظاهری: بر خلاف انتظار، اکثریت دختران جوان به زیبایی و وضع اقتصادی همسر آینده خود «تا حدودی» اهمیت می‌دهند.

ج- خصوصیات اخلاقی و مذهبی: اکثریت دختران دانش آموز به طور روشن و واضح به ایمان مذهبی، خوش اخلاق بودن، عفت و پاکدامنی همسر آینده خود «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند.

عامل دوم- معیار توافق:

اکثریت دختران جوان، به توافق در اخلاق، علائق، طرز تفکر و عقاید مذهبی با همسر آینده خود «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند. ولی برخلاف انتظار به تناسب شکل خود با همسر آینده خود «تا حدودی» اهمیت می‌دهند.

عامل سوم- معیار خانواده :

اکثریت دختران جوان به اعتبار اجتماعی خانواده همسر، شباهت سواد و فرهنگ و استقلال خانواده جدید «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند، ولی برخلاف انتظار به

شباهت وضع اقتصادی خانواده «تا حدودی» و به قومیت و نژاد همسر آینده «کمی» اهمیت می‌دهند.

عامل چهارم- معیار پزشکی ازدواج:

اکثریت دختران جوان به مشاوره ژنتیک و عدم بیماری‌های ارثی در ازدواج «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند.

در رابطه با جواب سؤال دوم که آیا ملاک‌ها و معیارهای همسرگزینی دختران جوان شهر اهواز با توجه به سن، ترتیب تولد، اندازه خانواده، سواد والدین و ناحیه تحصیلی آنان تفاوت دارد؟ نتایج ذیل به دست آمد (ر.ک. جدول ۲).

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود:

۱- بین میزان اهمیت به معیارهای مختلف همسرگزینی دختران جوان و ترتیب تولد آنان رابطه معناداری وجود ندارد. بدین معنا که ملاک‌های مختلف همسرگزینی دخترانی که فرزندان اول یا دوم و یا سوم خانواده می‌باشند با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد.

۲- بین میزان اهمیت به ملاک‌های مختلف همسرگزینی دختران دانش آموز و سن آنان رابطه منفی و معناداری وجود دارد، بدین معنا که هر چقدر سن دختران دانش آموز بیش‌تر باشد میزان اهمیت به ملاک‌های مختلف همسرگزینی آنان کم‌تر است. در زیر گروه‌های این فرضیه ملاک‌های مربوط به خانواده خود و همسر و خصوصیات

جدول ۳: جدول مقادیر انحراف استاندارد و آزمون t میزان اهمیت به ملاک‌های همسرگزینی بین دانش‌آموزان عرب زبان و فارسی زبان

عوامل	شاخص	گروهها	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t مشاهده شده	p
عامل اول خصوصیات شخصی همسر آینده	عرب زبان	۹۳/۳۳	۳/۵	۴۸۱	۱/۳۹	۰/۱۷	
عامل دوم	فارسی زبان	۹۴/۳۱	۳/۷۰	۴۸۷	۱/۱۸	۰/۲۴	
معیار توافق	عرب زبان	۳۴/۹۴	۲/۸۵	۴۸۶	۱/۱۷	۰/۲۴	
عامل سوم	فارسی زبان	۲۵/۳۰	۲/۸۱	۴۶۷	۱/۰۵	۰/۲۹	
معیار خانواده	عرب زبان	۲۷/۱۲	۳/۷۳	۴۹۷	۱/۰۵	۰/۲۹۳	
عامل چهارم	فارسی زبان	۲۷/۵۷	۳/۸۲	۸/۸۴	۱/۵۶	۰/۲۹	
معیار مسائل پزشکی	عرب زبان	۹	۱/۴۱	۸/۳۷	۸/۹۱	۰/۲۹۳	
کل مقیاس	فارسی زبان	۹۳/۳۳	۸/۳۷	۸/۹۱	۹۴/۳۱	۰/۲۹۳	

جوان فارسی زبان و عرب زبان تفاوت معناداری وجود ندارد

مندرجات جدول ۴ بیانگر آن است که، بین برخی از معیارهای ازدواج دختران جوان در نواحی چهارگانه تفاوت معناداری وجود دارد از جمله معیار «خصوصیات مذهبی و اخلاقی، وضع مالی و ظاهری همسر آینده» است که میزان اهمیت به آن در دختران جوان دانش‌آموز نواحی چهارگانه به طور معناداری تفاوت دارد.

جدول ۴: خلاصه نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس میزان اهمیت به ملاک‌های همسرگزینی دختران جوان نواحی چهارگانه آموزش و پرورش اهواز

سطح معنادار	F	ملاک‌ها
۰/۲۴	۱/۳۸	عامل اول خصوصیات شخصی همسر آینده
۱/۰۹	۲/۱۱	الف- خصوصیات فرهنگی و اجتماعی همسر
۰/۰۰۱	۵/۴۴*	ب- خصوصیات مذهبی و اخلاقی همسر
۰/۰۰۰۱	۸/۸۶*	ج- خصوصیات قیافه و وضع مالی همسر
۰/۰۹۷	۲/۱۲	عامل دوم معیار توافق با همسر
۰/۰۶۶	۲/۴۲	عامل سوم معیار خانواده
۰/۱۹۶	۱/۵۷	عامل چهارم پزشکی
۰/۰۷۸	۲/۳۰	کل مقیاس

شخصی همسر آینده با سن رابطه بیش‌تری نشان داده‌اند؛ که این رابطه منفی می‌باشد یعنی هر چقدر سن بالاتر می‌رود به این معیار کم‌تر اهمیت داده می‌شود ولی در ملاک‌های توافق و مسائل پزشکی ازدواج، رابطه معناداری با سن وجود ندارد.

۳- بین میزان اهمیت به ملاک‌های مختلف همسرگزینی دختران جوان و سواد والدین آنان رابطه معناداری وجود ندارد بدین‌معنا که هر چقدر سواد والدین بیش‌تر یا کم‌تر باشد میزان اهمیت به ملاک‌های مختلف همسرگزینی در دختران دانش‌آموز تفاوت معناداری ندارد، تنها در ملاک توافق با همسر آینده است که رابطه معناداری با سواد والدین وجود دارد، خصوصاً سواد مادر بدین‌معنا که هر چقدر سواد مادران دخترهای جوان بیش‌تر باشد به میزان بیش‌تری به توافق بین خود و همسر آینده خود اهمیت می‌دهند.

۴- بین میزان اهمیت به ملاک‌های مختلف همسرگزینی دختران دانش‌آموز و اندازه خانواده آنان رابطه معناداری وجود ندارد. بدین‌معنا که بین میزان اهمیت به ملاک‌های همسرگزینی دختران دانش‌آموزی که تعداد خواهران و برادران آن‌ها زیادتر باشد، با کسانی که در خانواده‌های کم جمعیت زندگی می‌کنند تفاوت معناداری وجود ندارد.

همان‌طوری که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بین میزان اهمیت به ملاک‌های مختلف همسرگزینی دختران

این راستا پژوهش حاضر که بر روی ۵۰۰ دانش آموز دختر مدارس پیش دانشگاهی شهر اهواز انجام شده است دارای دو هدف اصلی بوده است.

در رابطه با هدف اول که در واقع جواب به این سؤال بوده که دختران جوان شهر اهواز جهت امر ازدواج به چه ملاکها و معیارهایی بیش‌تر اهمیت می‌دهند؟ نتایج پژوهش نشان داد که در عامل اول یعنی «خصوصیات شخصی همسر آینده» اکثریت دختران جوان به برخوردهای اجتماعی، سطح تحصیلات، باهوش بودن، ایمان مذهبی، خوش اخلاق بودن، عفت و پاکدامنی همسر آینده خود به طور معناداری «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند و به «فاصله سنی» «وضع مالی و ظاهری و وضع اقتصادی همسر آینده» خود چندان اهمیت نمی‌دهند.

در عامل دوم یعنی معیار توافق، اکثریت دختران جوان به توافق در اخلاق، علائق، طرز تفکر و عقاید مذهبی با همسر آینده خود «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند و به «تناسب شکل خود با همسر آینده» «تا حدودی» اهمیت می‌دهند.

در عامل سوم یعنی «معیار خانواده»، اکثریت دختران جوان به اعتبار اجتماعی خانواده همسر، شباهت سواد و فرهنگ خانواده به نظر خانواده خود و خانواده همسر آینده و به استقلال از دو خانواده «زیاد» و «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند و به قومیت و نژاد همسر آینده «کمی» اهمیت می‌دهند.

در عامل چهارم یعنی «معیار پزشکی»، اکثریت دختران جوان به طور معناداری به مشاوره ژنتیک و عدم بیماری‌های ارثی در ازدواج «خیلی زیاد» اهمیت می‌دهند.

نتایج به‌دست آمده در رابطه با هدف اول پژوهش، در عامل اول، مربوط به ملاک «فاصله سنی» که اکثریت دختران جوان «تا حدودی» به آن اهمیت می‌دهند با نتایج مطالعات کنتریک و همکاران [۱۵] و در ایران، حق دوست و همکاران [۱۶] که نشان داده‌اند زنان، مردان مسن‌تر از خود را ترجیح می‌دهند ناهماهنگ بوده است.

در تبیین تفاوت بین این یافته پژوهش با برخی از یافته‌های قبلی، می‌توان به متفاوت بودن جامعه مورد بررسی در این پژوهش اشاره کرد، همان طوری که گفته شد میانگین سنی دختران مورد پژوهش ۱۷/۵ بوده است که بیانگر جوان بودن و حتی در بعضی موارد نوجوان بودن

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون توکی برای بررسی تفاوت معنادار نواحی چهارگانه در معیار خصوصیات مذهبی و اخلاقی همسر آینده

ناحیه ۳	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۴	گروهها	میانگین
				ناحیه ۴	۱۳/۴۱
				ناحیه ۲	۱۳/۷۱
				ناحیه ۱	۱۳/۸۲
		*		ناحیه ۳	۱۴/۲۰

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون توکی برای بررسی تفاوت معنادار نواحی چهار گانه در معیار وضع ظاهری و مالی همسر

ناحیه ۳	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۴	گروهها	میانگین
				ناحیه ۱	۶/۲۵
				ناحیه ۳	۶/۴۵
				ناحیه ۲	۶/۶۲
				ناحیه ۴	۷/۲۹

جهت نشان دادن تفاوت نواحی چهارگانه از آزمون توکی استفاده شد که نتایج آن در جداول ۵ و ۶ ارائه شده است.

همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، دختران دانش آموز ناحیه ۳ به طور معناداری بیش‌تر از دختران دانش آموز ناحیه ۴ به مسائل مذهبی و اخلاقی همسر آینده خود اهمیت می‌دهند.

همان‌طوری که نتایج آزمون توکی در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، دختران جوان ناحیه ۴ به طور معناداری بیش‌تر از نواحی ۱ و ۲ و ۳ به وضع مالی و ظاهری همسر آینده خود اهمیت می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت ازدواج در سلامت روانی خانواده و جامعه، همه متخصصین علمی و دینی در رابطه با انجام چگونگی انجام آن، مسائل متعددی را مطرح کرده‌اند؛ از جمله عوامل مهمی که در یک ازدواج موفقیت‌آمیز اهمیت دارد، توجه به معیارهای صحیح همسرگزینی می‌باشد. در

اهمیت به ملاک‌های عامل خانواده و عامل خصوصیات شخصی همسر آینده کم‌تر می‌شود و در رابطه با سواد والدین نتایج نشان داده که هر چقدر سواد والدین خصوصاً سواد مادر بیش‌تر باشد، به طور معناداری، میزان اهمیت به ملاک‌های عامل توافق، بیش‌تر است.

هم‌چنین بین ملاک‌های همسرگزینی در نواحی چهارگانه از لحاظ اهمیت به وضع مالی و ظاهری همسر آینده تفاوت معنادار وجود دارد، میزان اهمیت به این ملاک در دختران دانش آموز ناحیه ۴ به طور معناداری بیش‌تر از نواحی ۱، ۲ و ۳ است و میزان اهمیت به مسائل مذهبی و اخلاقی همسر آینده در دختران دانش آموز ناحیه ۴ کم‌تر از ناحیه ۳ است.

همان‌طور که می‌دانیم برخی نظرات و تحقیقات قبلی مبتنی بر آن بود که معیارهای همسرگزینی با توجه به فرهنگ افراد متفاوت [۳] ولی در این پژوهش نشان داده شد که ملاک‌های همسرگزینی دختران عرب زبان و فارس زبان تفاوت معناداری ندارند در حالی که برخی از ملاک‌های همسرگزینی مربوط به عامل خصوصیات شخص همسر آینده دختران جوان، که در نواحی تحصیلی متفاوت تحصیل می‌کنند تفاوت معنادار دارند. در رابطه با این نتیجه می‌توان گفت ناحیه ۴ آموزش و پرورش اهواز شامل منطقه مسکونی معروفی است که از لحاظ وضع مالی بالاتر از مناطق دیگر است و از لحاظ قدمت این منطقه جدیدتر از مناطق دیگر شهر است و احتمالاً تأثیر منطقه مسکونی و مردم ساکن آن بر ملاک‌های همسرگزینی بیش‌تر از تأثیر زبان مادری بوده است.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش به مسئولین و دست‌اندرکاران امور تربیتی جامعه پیشنهاد می‌شود که علاوه بر آموزش «معیارهای صحیح همسرگزینی» به جوانان، به خانواده‌های آنان نیز آموزش لازم داده شود.

در پایان توصیه می‌شود که پژوهشگران آن دسته از ملاک‌های همسرگزینی زمان ازدواج را که در رضایت زناشویی بعد از ازدواج مؤثر هستند شناسایی کنند و به جوانان معرفی نمایند.

آنان می‌باشد و بنابر نظر متخصصین رشد در این سنین اهمیت به مسائل احساسی و آرمانی بودن بیش‌تر از سنین بالاتر است.

هم‌چنین نتایج به‌دست آمده، مربوط به اهمیت دادن به برخورد‌های اجتماعی، سطح تحصیلات و باهوش بودن همسر آینده با نتایج برخی از یافته‌های پژوهشی قبلی از جمله فینگلد [۱۴] و در ایران مهرابی‌زاده هنرمند و داوودی [۱۰] و سیاهپوش [۲۰] هماهنگ بوده است. این پژوهشگران نیز نشان داده بودند که دختران در انتخاب همسر به پایگاه اجتماعی، وضعیت تحصیلی و هم‌چنین هوش اهمیت می‌دهند و نتیجه مربوط به اهمیت دادن به وضع ظاهری همسر آینده با برخی از پژوهش‌های قبلی از جمله میلر و تد [۱۹] هماهنگ است که معتقدند اهمیت دادن به ویژگی‌های روان‌شناختی در انتخاب همسر بیش‌تر از اهمیت دادن به ویژگی‌های جسمانی است و با برخی از یافته‌های پژوهشی از جمله هیل [۱۷] ناهماهنگ است. هیل [۱۷] در پژوهش‌های خود نشان داد که جذابیت جسمانی در همسرگزینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در رابطه با تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت، آموزش‌هایی که در مدارس در رابطه با همسرگزینی و ملاک‌های صحیح همسرگزینی ارائه شده است در انتخاب‌های دختران دانش‌آموز مؤثر بوده است.

علاوه بر آن نتایج پژوهش در رابطه با «معیار توافق» با نظر طرفداران ایده همتامسری هماهنگ است [۷، ۵ و ۸]. این پژوهشگران نیز نشان دادند که شباهت در انتخاب همسر تأثیر فراوانی دارد.

در رابطه با هدف دوم که در واقع جواب به این سؤال بوده است که، آیا ملاک‌ها و معیارهای همسرگزینی دختران جوان شهر اهواز با توجه به سن، ترتیب تولد، اندازه خانواده، سواد والدین، زبان مادری یا قومیت و ناحیه تحصیلی آنان فرق دارد؟ نتایج این پژوهش نشان داد که بین ملاک‌های مختلف همسرگزینی دختران جوان با ترتیب تولد و اندازه خانواده رابطه معناداری وجود ندارد ولی بین برخی از ملاک‌های مختلف همسرگزینی دختران جوان با سن و سواد والدین رابطه معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که هر چقدر سن دختران جوان بیش‌تر باشد میزان

منابع

12. Mulder. M. B. (2004) Are men and women really so different? *Trends in Ecology & Evolution*, 19, 1, 3-6.
13. Greitemeyer. T. (2007) What do men and women want in a partner? Are educated partners always more desirable? *Journal of Experimental Social Psychology*, 43, 2, 180-194.
14. Feingold, A. (1992) Gender difference in mate selection preference: a test of the parental investment model. *Psychological Bulletin*, 112, 1, 125-139.
15. Kenrick, D.T. Keefe, R.C. Bryan, A. Barr, A. Brow & Widerman (1995) Age preference and mate choice among homosexuals and -heterosexuals. *Journal of Personality and Social psychology*, 69, 6, 1166-1171.
۱۶. حق دوست، علی اکبر؛ رواز، کوروش؛ کاملی، جعفر و لطیفی، نوراحمد (۱۳۷۴) بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل موثر در ازدواج، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال دوم شماره ۳، صفحه ۲۹-۲۰.
17. Hill. S. E. (2007) Overestimation bias in mate competition. *Evolution and Human Behavior*, 28, 2, 118-123.
18. Rudolph, U. Beier, L. Liebert, A. & Müller, C. (2007) Physical attractiveness of face and body as indicators of physical fitness in men. *Evolution and Human Behavior*, 28, 2, 106-111.
19. Miller. G. F. , & Todd. P. M. (1998) Mate choice turns cognitive . *Trends in Cognitive Sciences*, 2, 5, 190-198.
۲۰. سیاهپوش، مژگان (۱۳۷۶) بررسی عوامل مؤثر در انتخاب همسر از دیدگاه دانش آموزان دختر سال سوم و چهارم دبیرستانهای شهرستان شوشتر، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان.
21. Shackelford, T. & Buss, M. (1999) Marital satisfaction and spousal cost – infliction. *Journal of Personality and Individual Difference*, 28, 912-928.
۱. حیدری نسب، لیلیا (۱۳۸۱). بررسی تاثیر شباهتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زوجین در رضامندی در دانشجویان متأهل، طرح پژوهشی دانشگاه شاهد.
2. Shackelford, T. Buss, M. & LeBlanc, G. (2000) Number of children desired and preferred spousal age difference: Context-specific mate preference patterns across 37 cultures. *Journal of Evolution and Human Behavior*, 21, 323-331.
3. Buss, M. (1990) International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *Journal of cross – cultural Psychology*, 21, 1, 54-74.
4. Lykken, D.T. & Tellegen, A. (1993) Is human mating adventitious or the result of lawful choice? *Journal of personality and social psychology*, 65 , 1, 56-68.
5. Buss.D.U., & Barnes, M.F. (1986) Preferences in human mate selection. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 559-570.
۶. افضلی گروه، صولت (۱۳۸۳) مقایسه سازگاری زناشویی معلمان مرد دبستانهای شهر اهواز براساس همسانی هیجان خواهی با همسرانشان با کنترل سن و طول مدت ازدواج، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
7. Gilcksohn, J & Golan, H. (2001) Personality and Individual Differences, 30, 7, 1199-1209.
8. Baron, R., & Byron, D. (1997). *Social psychology*. A Viucom Company.
9. Winch, M. (1958) *Mate selection: A study of complementary needs*. New York Hare Bras.
۱۰. مهربانی زاده هنرمند، مهناز و داوودی، ایران (۱۳۷۹) شناسایی ملاکهای همسرگزینی از نظر دانشجویان مجرد دانشگاه شهید چمران اهواز، طرح پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۱. فرگاس، جوزف؛ ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت (۱۳۷۳) روان شناسی تعامل اجتماعی، تهران انتشارات ابجد.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی